

تقابل محور مقاومتی های نئوتوده ای با جنبش انقلابی کوردستان از دریچه اسناد و تصاویر تاریخی

نیما مهاجر

شهریور ۱۴۰۵

کارل مارکس در جمله نخست کتاب هجدهم برومر لویی بناپارت میگوید: «تاریخ دوبار تکرار می‌شود، نخست در قالب تراژدی و سپس در شکل مضحکه یا کمدی.» و این جمله مشهور بارها برای توضیح تاریخ و دوباره شدن کمدی وار آن تکرار شده است. یکی از این تکرارهای کمدی وار تاریخ، مواضع چپ نماهای محور مقاومتی و به اصطلاح «ضدامپریالیستی» است.

در سال ۱۳۵۸ که ضدانقلاب جمهوری اسلامی وظایفی ناتمام سرکوب انقلاب توسط رژیم پهلوی را به عهده گرفته بود، برخی از نیروهای سیاسی که سابقا چپ و آزادیخواه بودند، با چرخشی فرصت طلبانه به دامن خمینی و دار و دست ه مرتجع اسلام سیاسی افتادند. حزب توده یکی از این جریانات بود که به بورژوازی تازه به قدرت رسیده لبیک گفت. بعدها اکثریتی ها و رهبرانی از پیکار به توابین زندان تبدیل شدند، اما نه عشق یک طرفه آنها به رهبر جمهوری اسلامی و نه به مسلخ فرستادن رفقاییشان مانع آن نشد که ارتجاع اسلامی آنها را نیز به جوخه های اعدام نسپارد. اشتباه محاسباتی توابین در این بود که به رژیمی قدرشناس خدمت کرده بودند و اینگونه جان و شرافتشان را همزمان باختند.

روز یکم بهمن ماه سال ۱۳۵۸ مقاله ای در نشریه شماره دوم شورش «ارگان انقلابی کومه له» با این عنوان منتشر شد: «با اعتلا بخشیدن به جنبش انقلابی توده ها، شیادان ضد انقلابی حزب توده را افشا و طرد نماییم!» این مقاله علیه شیادان ضدانقلابی حزب توده نوشته است که پیشمرگان خلق کورد را «امپریالیست» می خوانند اما افراد لشگر گارد جاویدان سابق را که پرورده ی امپریالیست آمریکا بودند، «فرزندان خلق» قلمداد میکنند. اتهامات آشنا است. امروز نیز مزدوران محور مقاومتی قیام های تودهای، اعتصابات عمومی و پیشروان

کارگران و زنان و معلمان را «پیاده نظام امپریالیست» و «جاسوس اسرائیل» نام می‌گذارند و در اوج وقاحت جنایتکاران سپاه قدس را قهرمانان «ضدامپریالیست» قلمداد میکنند.

اما بالاخره جنبش مقاومت خلق کرد مانند هر جنبش انقلابی اصیل توده‌ها پرده از چهره شیادان ضد انقلابی حزب توده برگرفت و نکذاشت

۱۸

شورش

ارگان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

(کومه‌له)

شیادان ضد انقلابی حزب توده را افشا و مردم نمایان!

گزارشی از جنبش اعتراضی یردانه مردم سنج

بهمن‌ماه ۱۳۵۸

که آنها دیگر بیش از این «هه چیز را با هم مخلوط» کنند. حالا دیگر آنها که تمام وجود کثیفشان از شدت خشم بهم آمده است، نیش زهر آکین خود را مستقیماً و بدون پرده پوشی متوجه جنبش مقاومت خلق کرد و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له) کرده‌اند. «مردم» (شماره ۸۴، ۱۴ آبان‌ماه ۵۸) پیش‌ترگان خلق را «امپریالیستها» و افراد لشکر گارد جاویدان سابق را که پرورده امپریالیسم آمریکا بودند، «فرزندان خلق» و از «گروه‌های مختلف خلق» قلمداد میکند. از حضرات کاخ‌نشین، حجت‌الاسلام‌های دروغین سال ۵۸، کاندیدکنندگان عناصرر ساواکی و خلخال جلاذ جز این هم انتظاری نمی‌رود.

حزب توده مدتی است که در مورد سازمان ما ادعا میکند که کومه‌له «مستقیماً با صهیونیستها و آمریکائیا در تماس است.» (همانجا) اتهام وابستگی برای انقلابیون، اتهامی است آریامهری که از شدت بیچارگی و کینه‌توزی بزبان آورده میشود.

هر کسی که با کردستان آشنائی داشته باشد میداند که ما در جنبش انقلابی توده‌های مردم ایران برعلیه رژیم شاه و در جریان قیام بهمن‌ماه ۲۲ قیام ۲۲ بهمن شهید شد. بسیار پیش از آن، در دورهٔ اختناق رژیم شاه ما در کارخانه‌ها مخفیانه کار کرده و با زحمتکشان برعلیه رژیم شاه مبارزه کرده‌ایم. همان دورهای که کمیتهٔ مرکزی حزب توده «اینگونه تحلیلها و اقدامات مبتنی برآن را نادرست و مغرض» میدانست. گوشت و پوست ما و همهٔ مبارزان انقلابی و واقعاً ضدامپریالیست ایران در شرایطی زیر شلاق جلاذان رژیم شاه وابسته به امپریالیسم له میشد که بوروکراتهای گندیته کمیتهٔ مرکزی در خارج شعار دموکراتیزاسیون رژیم را مطرح مینمودند یعنی از شاه گدائی دموکراسی مییکردند.

هر کسی که با کردستان آشنائی داشته باشد میداند که فعالترین مبارزه برعلیه بارزانی خائن وابسته به «ساواک» شاه، «موساد» اسرائیل و «سیای» آمریکا و برعلیه بقایای داروغهٔ ارتجاعی‌اش‌نام «قیاده‌موقت»، در ایران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له) بوده است. اعمال وحشیانه قیاده موقت برعلیه ما و حتی اعلامیه‌های آنها این موضوع را تأیید میکند.

این مقاله در ادامه می‌افزاید حزب توده در اتهامی آریا مهری ادعا م‌یکند که کومه‌له «مستقیماً با صهیونیستها و آمریکایی‌ها در تماس است». و در ادامه نشان میدهد که حزب توده چگونه با مهندسی واژه‌ها واقعیت را مسکوت میگذارد و حتی حقیقت را وارونه جلوه میدهد: ما از این خائنین میپرسیم شما که نمیخواهید یورش به کردستان را محکوم کنید و از آن با نام «بحران کردستان» و «حوادث اخیر کشور» یاد میکنید، شما که در عمل جنبش مقاومت را محکوم کرده و خلق کرد را ضدانقلابی و وابسته به صهیونیسم مینامید، به چه حقی ادعا میکنید که «نخستین و تنها سازمان سیاسی» هستید که برخورد «انقلابی و اصولی» به مسئل‌هی ملی میکنید؟ امروز هم میتوان از تمام محورمقاومت یهای شرمگین

نقابدار و محورمقاومتی های وقیح بدون نقاب پرسید: شما که «خیزش انقلابی ژینا» را «آشوب و بلوای فرهنگی» و «آنارشسیسم جنسی» نام میگذارید، شما که با دستمزد یا بدون دستمزد روایت های رسمی جمهوری اسلامی را تکرار میکنید و زنان و جوانان انقلابی و مبارز را «جاسوس موساد» نام میگذارید، به چه حقی از تحزب کمونیستی دم میزنید و خودتان را «مارکسیسم ارتدوکس» نام میگذارید؟ مقاله مذکور با این عبارت به پایان میرسد: «مرگ بر حزب توده! را به شعار مبارزاتی در کردستان و سراسر ایران تبدیل کنیم!

ما از این خائنین میپرسیم شما که نمیخواهید یورش بکردستان را محکوم کنید و از آن با نام «بحران کردستان» و «حوادث اخیر کشور» یاد میکنید، شما که حتی از بردن نام «جنبش مقاومت خلق کرد» و «هیأت نمایندگی خلق کرد» ابا دارید، شما که قبلاً از تأمین حق کامل خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خویش «صحت میکردید و بعداً تا حد خود مختاری اداری و فرهنگی «کذائی تنزل کردید، شما که حالا برای خوشامد هیأت ویژه دولت «خودگردانی» و برای فریب خلق کرد «خود مختاری» را بکار میبرید و یکی را در پراوتر میگذارید، شما که در عمل جنبش مقاومت را محکوم کرده و خلق کرد را ضد انقلابی و وابسته به

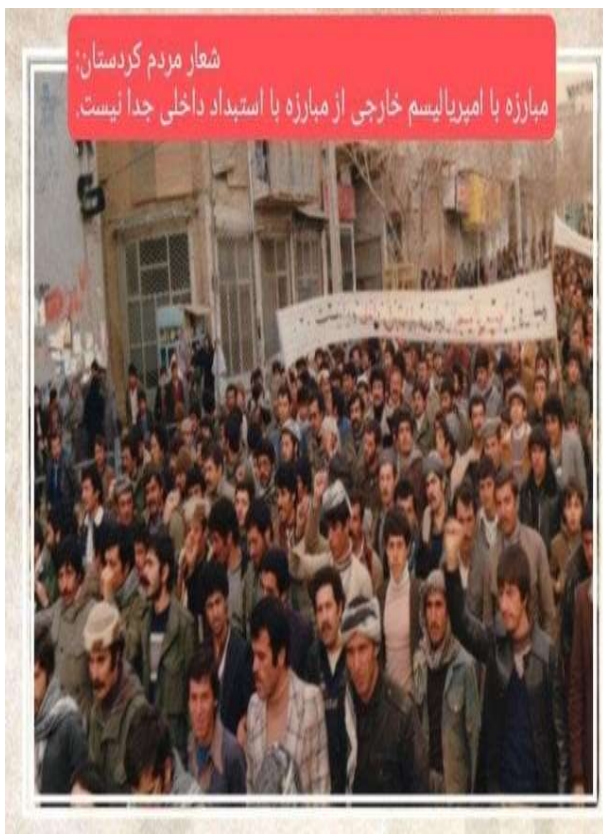
۴۱

سهیونیسیم مینامید، به چه حقی ادعا میکنید که «نخستین و تنها سازمان سیاسی» هستید که «برخورد انقلابی و اصولی» بمسئله ملی میکنید؟

اقدامات ایدایی، نفوذ و رخنه اطلاعاتی و تبلیغات حزب توده به نفع رژیم اسلامی تا جایی ادامه پیدا کرد که کومله علیه این نیروی چپ نما و مزدور بیانیه صادر کرد. در اطلاعیه رسمی کومه له خطاب به خائنین اکثریتی و تودهای در کردستان در پنجم مرداد سال ۶۱۳، نیز میخوانیم: «آنها افراد خود را مخفیانه به درون اجتماعات، تشکلهای و محافل مختلف میفرستند و همچنین در زندانها به جمع آوری اطلاعات در مورد انقلابیون اسیر میپردازند و اینگونه اعمال انقلابی تابحال بارها مستقیماً منجر به دستگیری و اعدام مبارزان گردیده

است که از چشم مردم مبارز کردستان نیز پوشیده نمانده است. بیانیه در پایان از آن هوادران سازمان چریکهای اکثریت و حزب توده که هنوز ذره ای شرافت در وجودشان باقی مانده است و کاملاً به این منجلاب درنغلطیده اند، میخواهد که هر چه زودتر حساب خود را جدا کرده و بیش از این در اینگونه اعمال ضدانقلابی و ضد مردمی شرکت نکنند.» اینجا هم شاهد تکرار کمدی وار تاریخ هستیم. عوامل مزدور محور مقاومتی در یک دهه اخیر بارها در سطح شهرها و دانشگاهها با نفوذ در تشکلهای اجتماعی، دانشجویی، کارگری و... به تفرقه افکنی، تشتت فکری در صفوف مبارزان طبقاتی پرداخته اند و با زدن برچسب های ناروا زمینه را برای دستگیری و محکومیت فعالان فراهم کرده اند. در پرونده جوانان و دانشجویان بازداشت شده، کلید واژه های «آشوب»، «بلوا»، «اغتشاش»، «جاسوسی برای اسرائیل» و «ارتباط با بیگانگان و دولتهای معاند» به وفور دیده میشود، همان کلید واژه هایی که صدها و صدها بار توسط مزدوران محور مقاومتی علیه سوسیالیست های جنبش دانشجویی و جوانان انقلابی بکار برده شده است .

خوشخدمتی با جمهوری اسلامی گره خورده است. هر گونه مخالفت با جمهوری اسلامی و تلاش برای سرنگونی انقلابی حاکمیت، مهر اسرائیلی بودن و آمریکایی بودن میخورد، حتی اگر مواضع آشکار و قاطعی علیه امپریالیسم داشته باشد. برای مزدوران محورمقاومتی صحبت در مورد استبداد داخلی، شعار علیه امپریالیسم خارجی بی اعتبار میکند و تنها آن شکل از رادیکال نمایی و شعارهای توخالی علیه آمریکا «شیطان بزرگ» اعتبار دارد که در ادامه علیه رژیم اسلامی حرفی نزنند و «پایگاه اصلی و واقعی به اصطلاح مبارزه با امپریالیسم» در خاورمیانه را تضعیف نکنند.



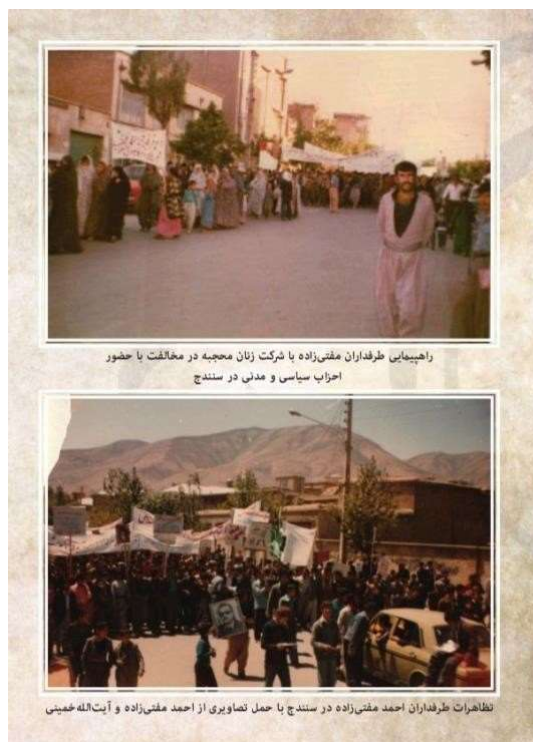
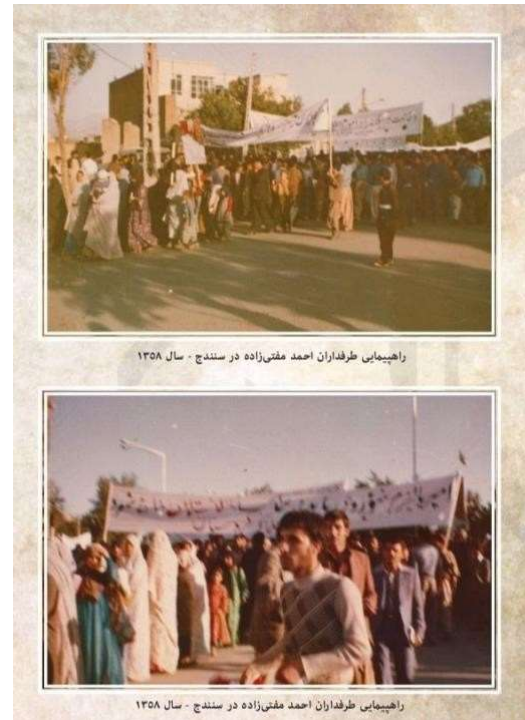
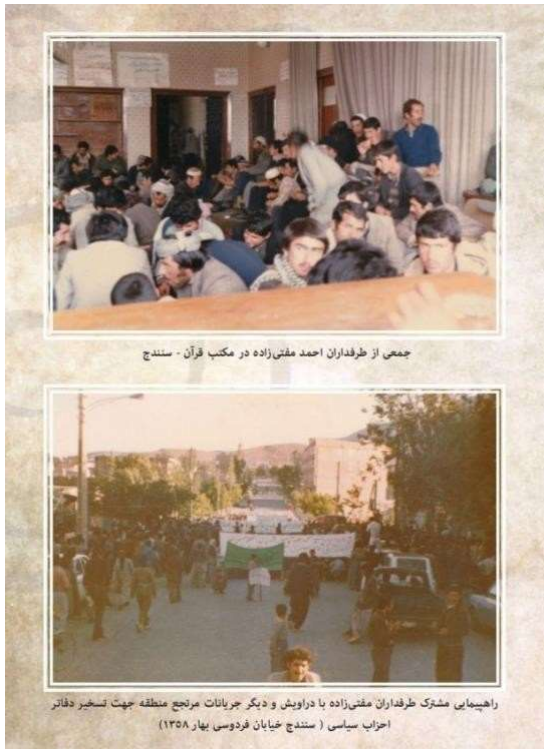


تظاهرات گروه‌های سیاسی و مردمی در بهار ۱۳۵۸ - سنندج



تظاهرات گروه‌های سیاسی و مردمی در بهار ۱۳۵۸ - سنندج

جمهوری اسلامی در طول تاریخ ننگینش با تمام امکانات تلاش کرده در صفوف انقلابیون تشنت و کجروی درست کند و پتانسیل های ارتجاعی را گسترش دهد و ساماندهی کند. رژیم اسلامی در سالهای نخست سرکوب انقلاب مردم ایران و در مقابل تجمع های توده‌های انقلابیون که همزمان علیه امپریالیسم خارجی و استبداد داخلی موضع می‌گرفتند، بیکار ننشست و گردهمایی های حکومتی و ارتجاعی مورد نظر خود را سازمان میداد. تجمع طرفداران احمد مفتی زاده با چادر و حجاب اسلامی و در دفاع از ضدانقلاب حاکم با شعارهای توخالی و کذابی ضدیت با امپریالیسم، بخش مهمی از ساماندهی مزدوران در لباس مردم بود.



امروز نیز این گردهمایی‌های ارتجاعی برقرار است. از تجمع ۱۹ آذر ۱۳۹۸ در دانشگاه تهران گرفته تا تجمع یکم خرداد ۱۴۰۴ در مقابل سردر دانشگاه، بخشهایی از تجمعات مزدوران در لباس مردم است. تجمعات چادریها و پرچم به دستهای طرفدار رژیم بعد از جنگ ارتجاعی و امپریالیستی اخیر نیز یکی از همین اشکال به میدان آوردن جیره خواران برای تقابل با مردم گرسنه و عصیانگر است. در ویدئویی که از ۱۹ آذر ۱۳۹۸ دانشجویان

محور مقاومتی منتشر شده است میبینیم که زیر سایه حراست و بسیج دانشجویی پرچم آمریکا را به نام سوسیالیسم و به کام سگ چموش امپریالیسم «جمهوری اسلامی» به آتش میکشند. این اقدام مضحک که در دانشگاه تهران روبروی خنده وقیحانه سید حسن نصرالله بر بنری که در حیاط دانشگاه آویزان شده است و به سبک روز قدس انجام گرفت برای اعلام دشمنی با تجمع دانشجویان سوسیالیست و مستقل در روز دانشجو ۱۶ آذر ۱۳۹۸ صورت پذیرفت. یک محور مقاومتی خوب میداند به آتش کشیدن پرچم آمریکا خطری ندارد و ضمن ارادت به عکس سید حسن به در یوزگی و ساندیس خوری مشغول میشود. اگر این مزدوران ذره ای شهامت و شرافت داشتند عکس سید حسن را هم به آتش میکشیدند و یک بار فریاد مرگ بر خامنه ای هم سرمیدادند. مزدوران بزدل همین حرکتها و تبلیغات را نیز مخفی از چشم توده ها و پنهانی انجام میدهند تا از زیر بار مسئولیت های اجتماعی فعالیتشان نیز شانه خالی کنند.



تجمع محور مقاومتی ها با چفیه های حماس و حزب الله در روز پنجشنبه یکم خرداد ۱۴۰۴ مقابل سردر دانشگاه تهران

گرایش محور مقاومتی یا «کمپیست» در بعد جهانی مبارزه طبقاتی جاری در کشورها را در حاشی ه تضادها و موقعیت های ژئوپولتیک دولت ها در نظم جهانی سرمایه داری قرار میدهد .

اگر آن زمان حزب توده برای تسخیر سفارت آمریکا توسط پیروان خط امام هورا میکشید، محور مقاومتی های امروز نیز بعد از عملیات تروریستی ۷ اکتبر توسط حماس به جشن و

پایکوبی در جوار بسیجی ها پرداختند. مزدوران بزدل نه تنها سرکوبهای جمهوری اسلامی را توجیه میکنند بلکه بر پیشانی هرگونه مبارزه آزادیخواهانه و دمکراتیک در زندانها و در کف خیابانها علیه سرکوب و اعدام و اختناق و شکنجه، مهر امپریالیستی بودن میزنند و آن را توطئه دشمنان خارجی برای تضعیف به اصطلاح اقتدار جبهه «مقاومت» ارزیابی میکنند. در این منطق جنبشهای انقلابی مزاحم استحکام و اقتدار دولت به اصطلاح «ضدامپریالیستی» و به این اعتبار ارتجاعی و وابسته به غرب هستند. هر چند این گرایش ریشه های تاریخی دارد اما در دور اخیر با توجه به نسل کشی دولت فاشیستی اسرائیل علیه مردم فلسطین فضای مناسبتری برای ابراز وجود پیدا کرده است. به لحاظ تجربی این یک اصل ثابت شده است که نیروهای ارتجاعی از یکدیگر تغذیه میکنند و به این معنا در چند دهه گذشته ارتجاع محورمقاومتی از عروج و پیشروی ارتجاع صهیونیستی نیرو گرفته است.



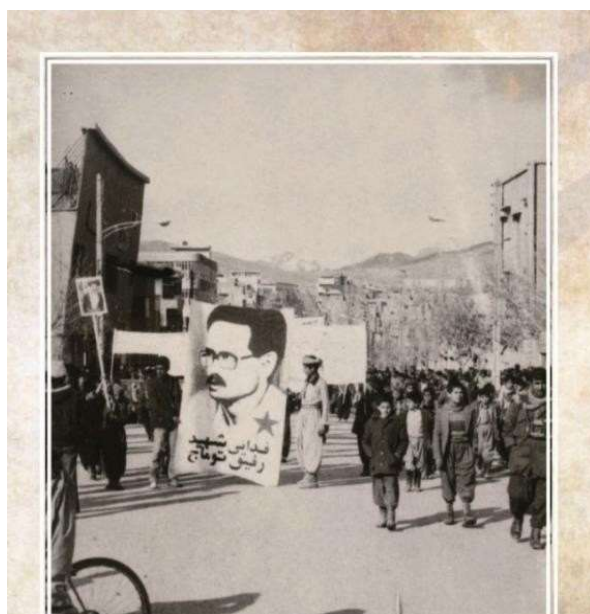
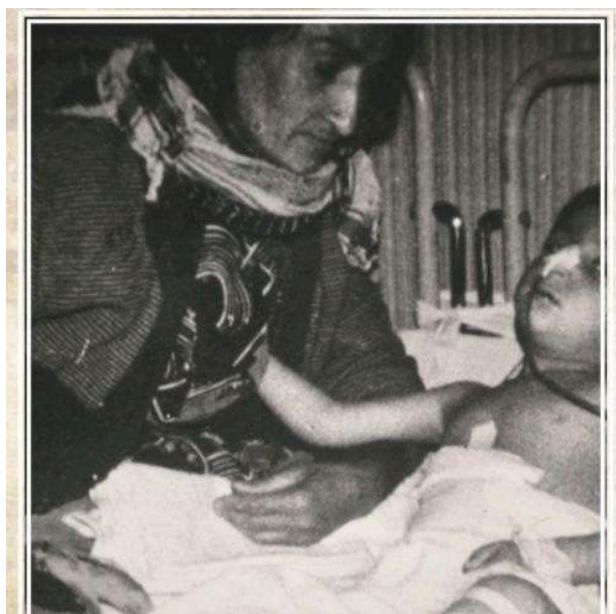
تاریخ رژیم های فاشیستی نشان داده است که کشتار تنها با سلاح امکان پذیر نمیشود. پیش از آن، باید تصویری ساخته شود که در آن زندگی مردم عادی بی ارزش شود و از آنها به جای توده های عصیانگر، به عنوان پیاده نظام آمریکا و اسرائیل یاد شود. وارونه کردن واقعیت و اعتبارزدایی از نارضایتی مردمی، مقدم های برای عادی سازی و مشروعیت بخشی به کشتار و اعدام معترضان

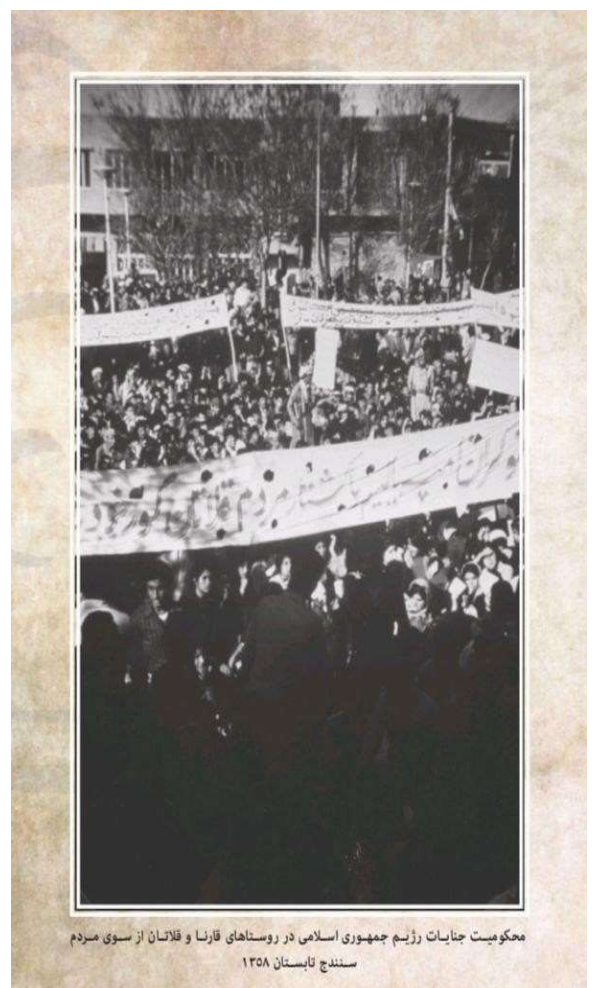
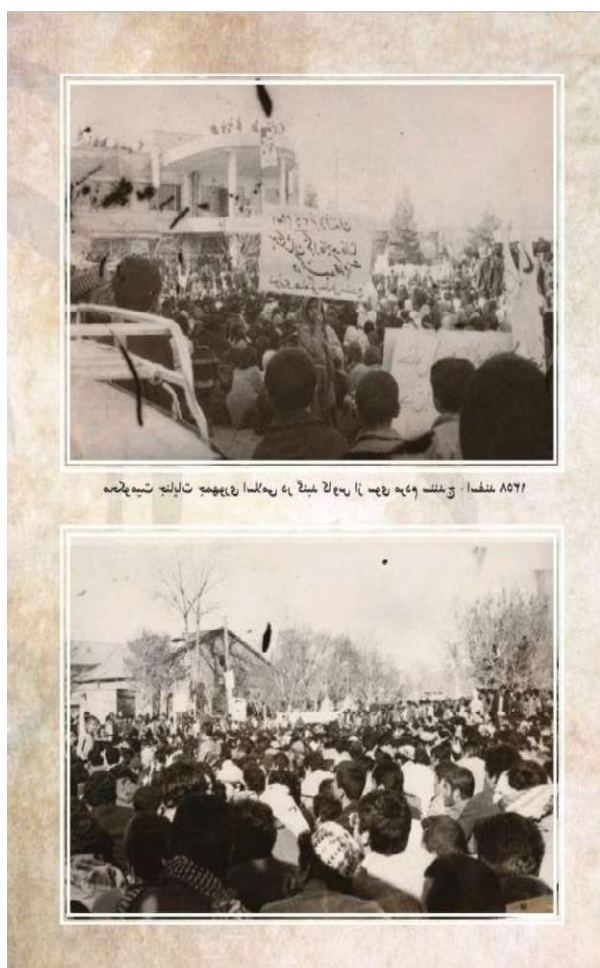
است. توده های کارد به استخوان رسیده ابتدا به عنوان تهدیدی برای تجزیه خواهی و ویرانی طلبی و انهدام اجتماعی معرفی میشوند ، در مرحله بعد قتل و عام معترضان در قالب حفظ امنیت ملی و تمامیت ارضی و خنثی کردن توطئه های امپریالیستی توجیه میگردد. در این الگو معترض ایرانی در زبان قدرت و در روایت رسمی جمهوری اسلامی و مزدوران محورمقاومتی به بخشی از یک مسئله امنیتی و توطئه امپریالیستی تبدیل میشود. در این اوضاع، هر چه رسانه های حکومتی و مزدوران مزد بگیر و بی جیره و مواجب بیشتر از «آشوب»، «بلوا»، «اغتشاش»، «پروژه اسرائیلی» و «اهداف امپریالیستی» سخن بگویند، امکان مشاهده مبارزان واقعی و ستمدیدگان معترض کمتر میشود. روایت حکومت از دیماه ۹۶، آبان ۹۸، قیام ژینا و دیماه ۱۴۰۴ تلاش برای شستن دستهای خونی قاتل هاست. پشت هر گلوله ای که شلیک میشود، پیشاپیش روایتی وجود داشته است که به شلیک کننده میگوید: «تو در طرف درست تاریخ ایستاده ای. شلیک کن! شلیک کن! آنهایی که به خیابان آمده اند، مردم نیستند، مزدوران و عوامل اسرائیلی هستند». تمام مزدوران محورمقاومتی که آشکارا یا با نقاب و بزدلانه این روایت های حکومتی را تکرار کرده اند، در جوخه گزمه گان آدمکش ایستاده اند. مردم انقلابی ایران و کردستان، راویان کشتار و جنایت را نه میبخشند و نه فراموش میکنند!





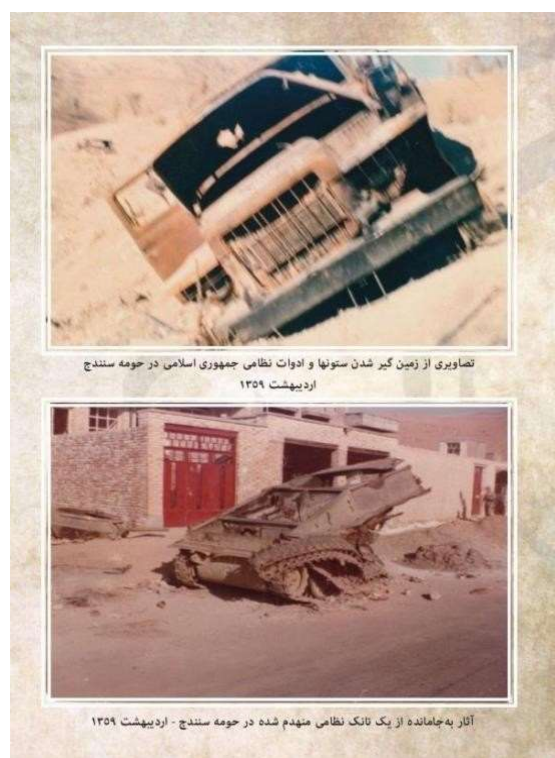
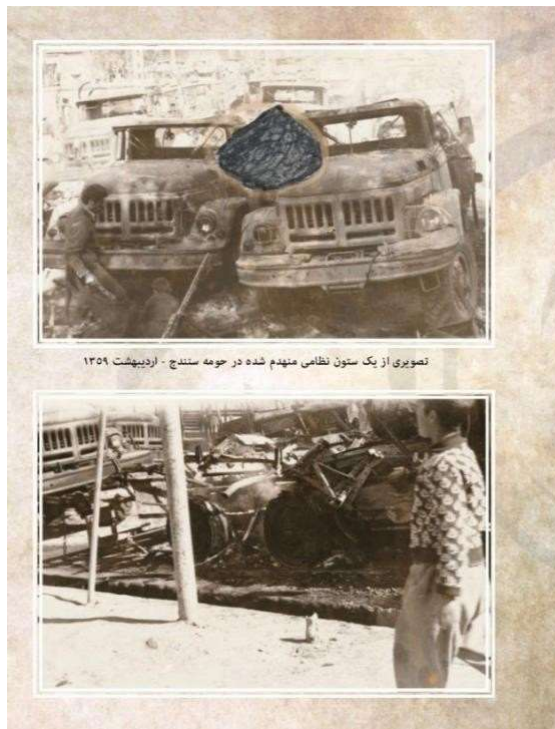
اما مردم کردستان علیرغم تبلیغات مزورانه و مزدورانه حزب توده هرگز جنایتهای جمهوری اسلامی را با سکوت و پرده پوشی پاسخ نمیدادند. اعتراض به جنایت رژیم اسلامی در قارنا و قلاتان در تابستان ۱۳۵۸ و اعتراض به کشتار انقلابیون در گنبد کاووس سندی دیگر است که نشان میدهد «ضدامپریالیست»های واقعی در مقابل جنایات رژیم اسلامی سکوت نمی کنند و به روایت های رسمی و دروغین حاکمیت اجازه نمیدهند که کشتار مردم را تحت نام «آشوب» و «بلوا» و «اغتشاش» مشروع و قابل دفاع جلوه دهند.

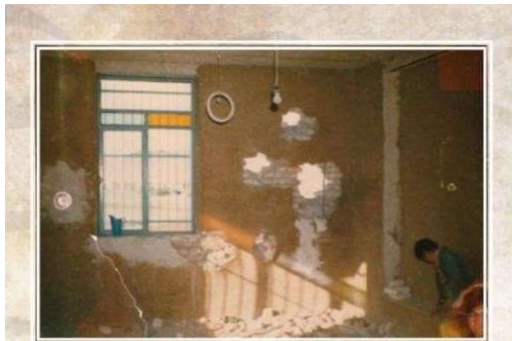




تبلیغات مزدوران هرگز مانع از آن نشد که جنبش انقلابی کردستان در مقابل لشکرکشی سپاه اسلام تسلیم شود. تصاویر زمین گیر شدن ادوات نظامی سپاه و ارتش به دست پیشمرگان قهرمان و مردم انقلابی کردستان بخشی از تاریخ پرافتخاری است که در این آلبوم تصویری

ماندگار شده است. جمهوری اسلامی نیز در این حمله جنایتکارانه ماهیت واقعی خود را در قاموس کودکان کشتی و بمباران مدارس و حمله تانکها به منازل مردم نشان داد. همان ماهیتی که در خیزش انقلابی ژینا نیز در جریان حملات شیمیایی به مدارس و شلیک به منازل و پنجره های مردم در محلات سطح شهر خود را آشکارتر از قبل نشان داد. اگر حزب توده حملات آن زمان لشکر خمینی را «حوادث اخیر کشور» نام می گذاشت و حرفی از جنایات سپاه اسلام به میان نمی آورد، مزدوران امروز محور مقاومت نیز «قتل دولتی» ژینا امینی را مرگ و فوت یک شهروند نام می گذارند، تو گویی که خبری از جنایت رژیم اسلامی نیست و ژینا امینی بر اثر مرگ طبیعی جانش را از دست داده است. مزدوران محور مقاومتی قیام های خودانگیخته توده ای را ناشی از نقشه و توطئه دولتهای متخاصم معرفی میکنند و به این شکل بر کشتار و اعدام معترضان مهر تایید می گذارند.





آثار گلوله نازک و سلاحهای سنگین بر دیوار منزل مردم در سنندج - اردیبهشت ۱۳۵۹



ساختمان یک پاسگاه نظامی آسیب دیده توسط پیشمرگان کرد



تصاویری از کلاس درس یکی از مدارس بعد از پیلان هوایی توسط نیروهای جمهوری اسلامی در سنندج - اردیبهشت ۱۳۵۹



اسناد تاریخی مواضع قاطع و روشن کومه را در رابطه با امپریالیسم آمریکا نشان میدهد، مواضعی که هر جناحی را بخواهد اعتبار جنبش انقلابی کردستان را زیر سوال ببرد، رسوا میکند؛ چه آنهایی که تحت نام کومه له در کریدورهای سنای آمریکا به گدایی و در یوزگی سیاسی افتاده اند و چه آن ساندیس خورهایی که برای چاپلوسی در پیشگاه رژیم اسلامی

جنبش انقلابی کردستان را با اتهامات ناروای و برچسب امپریالیستی بودن مورد حمله قرار میدهند. رفیق جانباخته فواد مصطفی سلطانی در شماره دوم نشریه پیشرو "مرداد ماه ۹۵۱۳" ارگان سیاسی و تئوری کومه له با عنوان «رنجبران سراسر جهان متحد شوید!» ماهیت امپریالیسم آمریکا را بر مبنای جنایت و غارتگری ارزیابی م کند و مینویسد: «خلق های ایران برای مبارزه با امپریالیسم باید مستقیماً و بلاواسطه با دولت ارتجاعی کشور خود مبارزه نمایند». کاک فواد چنین ادامه میدهد: «به عبارت دیگر ادامه انقلاب و مستقل از هر گونه وابستگی به قدرتهای امپریالیستی نه تنها موجب رهایی خلقهای ایران میشود بلکه در حد ایران بهترین و موثرترین عامل ضد جنگ است.» و با تلاش برای اوج و تکامل انقلاب به مصاف زوزه مرتجعین و فرصت طلبان میرود: «بگذار مرتجعین و فرصت طلبان زوزه بکشند، آنچه که می بینیم اوج و تکامل انقلاب است». فرصت طلبانی که برای به قدرت رسیدن از ترامپ درخواست حمله و بمباران به شهرهای ایران و کردستان میکنند و مرتجعینی که با ادعای دروغین «ضدامپریالیستی» در آغوش اوباش سپاه و رژیم اسلامی جابخش کرده اند. در شرایطی که کاک فواد چنین مواضع شفاف و رادیکالی را در رابطه با امپریالیسم مکتوب کرده است، جریان متبوع عبدالله مهتدی از اینکه تصویر کاک فواد را



در کنار پرچم آمریکا بگذارد ابایی ندارد و اوج رذالت خود را با این حرکت فرصت طلبانه نشان میدهند. همزمان مزدوران محورمقاومتی و کارگزاران جمهوری اسلامی در کنار

ارباب هایشان در یک پروسه تبلیغات کذایی و برای به کرسی نشاندن ادعاهای دروغینشان، حزب متبوع عبدالله مهتدی و سازمان زحمتکشان را به عنوان کومه له معرفی میکنند تا با خیالی باطل به این یاوه گویی خودشان اعتبار ببخشند که: «کومه له پیاده نظام امپریالیسم است.» و این چنین عشق یکطرفه خودشان را به قاسم سلیمانی و یحیی سینوار و حسن نصرالله ها نشان میدهند و به طرزی مضحکانه به عبدالله مهتدی ها هم خدمت میکنند.

کاک غوراد

یعنی خلقهای ایران و خلق مصر نباید بفرجه جلاذ انشان مبارزه کنند. اینست تخطئه
بیشترانه وریا کارانه انقلاب. این وفاداران راه لنین میگویند "در مبارزه علیه
امپریالیسم، کولونیالیسم و هژمونیم" "کشورها و خلقهای جهان مدنی و نیروی اصلی
را تشکیل میدهند" "امپریالیسم بچه و حیل ای خلقهای ایران را بر دغاوت و تجاوز و ترسار
میداده است" مگر نه اینست عامل مستقیم تمام حترکیهای امپریالیستی دولت ارتجاعی
وابسته به امپریالیسم بوده و میباشد چه کسانی منابع ایران را در ستون زحمتکشسان
میپاراید غارتگران زمین الطلی به ایرقد رتبا و جهان دوم تقدیم کرده اند؟
دولت وابسته به آنها پس دولت های وابسته به امپریالیسم جز لایفک سیستم جهانی
امپریالیستی هستند. خلقهای ایران برای مبارزه با امپریالیسم باید مستقیم و سلا
واسطه با دولت ارتجاعی کشور خود مبارزه نمایند همچنانکه طریق تئوری با اصطلاح مار-
کسیستی سه جهان رژیم شاه را سرنگون کردند. انقلاب ایران بار دیگر نشان داد

- ۱۸ -

دولت ارتجاعی بملود به جهان اول تعلق دارد و طبقه کارکنان آزاد بخوان آمریکا به
جهان سوم به جهان انقلابی تعلق دارد این القای شناخت امپریالیسم است. در
مورد جهان دوم و خلقهای ایران انقلاب شکوهمند شان را به پیش بردند و هیچ
احتیاجی بوجدت با این متحدین نداشته و در عمل دیدیم که همین جهان دوم
بها بود ند که با امپریالیسم آمریکا کنفرانس چهارجانبه سران آمریکا و انگلیس و آلمان و
فرانسه را برای مقابله با انقلاب ایران تشکیل دادند و تا آخرین لحظه از آریا میسر
این نیروی اصلی انقلاب حمایت نمودند. به عبارت دیگر آنچه که پیش از هر راسته لای
و پیش از هر تجزیه و تحلیل رسوائی این تئوری را نشان میدهند عمل مشخص انقلابی است.
آنها در رگتار خود را جزو جهان سوم معرفی میکنند اما در عمل از دلتها را ارتجاعی
حمایت میکنند. با امپریالیسم آمریکا زد و بند میکنند و کمک ایشان را به قطع کرده
و با جنگی تعاون کارانه و پنهان را گوشمالی میدهند.

آنها با همه برای به تاخیر انداختن جنگ جهانی سوم این تئوری را ابداع کرده
اند. حال بهترین بهترین راه جلوگیری از شروع جنگ چیست؟ از انقلاب ایران مثال
میآوریم. خلقهای ایران تاکنون همایش را بر امپریالیسم آمریکا وارد ساخته اند و مسلماً با
ادامه انقلاب بکلی دست این غارتگران الطلی را از ایران کوتاه میکنند. حال اگر همه
از اخراج آمریکا و نیروی بیامرکنش امپریالیستی دیگری جای آمریکا را بگیرد مسلماً زمینه
درگیری امپریالیستهای بر سر به بند کشید و خلقهای ایران فراهم خواهد شد. پس اگر همه
هشجاری انقلابی به جهت قدرت امپریالیستی اجازه داده نشود بار دیگر ایران مسلط
گردد و دیگر زمینه ای برای درگیری آنها در ایران باقی نماند. به عبارت دیگر ادامه
انقلاب و مستقل از هرگونه وابستگی بقدرت های امپریالیستی نه تنها موجب رهائی خلقهای
ایران نمیشود بلکه در حد ایران بهترین و موثرترین عامل ضد جنگ است. اگر سایر خلقها

- ۱۹ -

نیاز از انقلاب را در از هرگونه وابستگی به امپریالیستهای آمریکا و نیروی بر سر سازند و در واقع
زمینه درگیری غارتگران بین المللی را هم محدود تر میکنند. البته این فقط يك عامل ساز

هر کسی که کردستان را دیده باشد میداند که ما در راه شکل
زحمتکش و روشنگران انقلابی کوشیده ایم و باین وسیله در راه رادیکال
کردن جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی در کردستان و بقیه ایران
مبارزه کرده ایم. زیرا باین وسیله زمینه سیاسی نفوذ امپریالیسم که همان
سازشکاری و لیبرالیسم است تضعیف میشود و از بین میرود. مادر راه
ایجاد و گسترش آزادیهای دموکراتیک که عاملی برای توسعه مبارزات
ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی است و به رشد و آگاهی و تشکیل سازمان
مستقل طبقه کارگر مستقیماً یاری میرساند مبارزه کرده ایم و خواهیم کرد.

ما در راه بدست آوردن حق تعیین سرنوشت برای خلق کرد و دیگر
خلقهای ایران مبارزه کرده ایم و خواهیم کرد زیرا مبارزه برای رفع
ستم ملی به این هدیه کثیف امپریالیسم و ارتجاع را در جهت اعتلای
مبارزات توده های مردم، ایجاد صف مستقل طبقه کارگر در ایران، تحکیم
و جدت مبارزاتی خلقهای ایران و سد کردن دخالت های بیگانگان میدانیم.
در این رابطه سازمان انقلابی زحمتکش کردستان ایران «کومهله» از
خود مختاری کردستان به عنوان شکل حق تعیین سرنوشت که خلق کرد
انتخاب کرده است و داد و ستد شکامه قلابه آن فاعلان دفاع کرده است.

ما اعتقاد داریم که تنها سنگر پولادین و دژ تسخیر ناپذیر ضد

* مراجعه شود بمقاله «بن تبه» منتشر شده در سال ۵۲

۲۵

امپریالیستی توده های مردم هستند. برعکس تکیه گاه فعلی یا بالقوه
امپریالیسم کسی جز مترجمین داخلی، سرمایداران وابسته، زمین داران
و فئودالها، بوروکراتهای فاسد، سران ضد خلقی ارتش، جاشهای رژیم
شاه و ضد کمونیستهای افراطی نمیباشند. تنها آن کسانی که در کنار
توده های زحمتکش و بخاطر منافع آنها می جنگند، میتوانند ضد امپریالیست
های واقعی باشند.

حزب توده ما را متهم میکند که از امپریالیسم «اسم» نمی بریم.
زهی بیشرما! شایان ضد انقلابی حزب توده باید بداند که ما پیمان ضد
امپریالیستی خود را در شکجه گاهها، کارخانه ها، مزارع، در قیام و در
جنبش مقاومت خلق کرد بستیم و خون خود را وثیقه این پیمان کرده
و خواهیم کرد. ما ضد امپریالیست هستیم و ضد امپریالیست خواهیم ماند
زیرا بنوده های زحمتکش تکیه داریم. تنها احرای مانند حزب توده که
در کاخ ۱۴ میلیون تومانی «مبارزه» میکنند و پایگاه اجتماعیان امثال
خانم شهرزاد است احتیاج به وابستگی دارند.



اگر جریان مرتجع مفتی زاده آشکارا به صفوف پیشمرگان مسلمان و مزدوری در پاسگاه های نظامی رژیم اسلامی پیوستند، اما پیروان حزب توده بزدل تر از آن بودند که هزینه ها و تبعات مواضع ارتجاعی خودشان را بپردازند و امروز محور مقاومتی ها هم با همین رویکرد نقاب بر چهره میگذارند تا نزد توده ها رسوا نشوند، زهی خیال باطل! حزب توده در آن زمان در ادامه فرصت طلبی هایش و پس از آنکه از این جا رانده و از آنجا مانده، از مزدوری های تبلیغاتی نتیجه ای به دست نیاورده بود، تلاش میکند با پیام همبستگی و وحدت و رخنه و نفوذ تشکیلاتی، جنبش انقلابی کردستان و کومه له را از درون دچار تشتت و انشقاق کند.

کاک فواد در بخش دوم سخنانش که در یک نشست تشکیلاتی در تابستان ۸۵۱۳ (۱۹۷۹) در مهاباد ضبط شده است، پاسخ کومه له به پیام دروغین وحدت از سوی حزب توده را اینگونه بازگو میکند: «بعد از رخداد سنندج یکی از آنها "عوامل حزب توده" با یکی از رفقای ما تماس گرفته بود که متحد شویم و فلان و بهمان. در دوره رفراندوم بود. رفیق ما

هم مورد ساده ای را توضیح داده بود و گفته بود که ما در کوردستان هستیم و دولت و رژیم فعلی جنایاتی بر سرمان آورد که در سندج دیدیم. سیاست شما را هم میبینیم که نسبت به حقوق خلق کورد چیست، ما چطور میتوانیم به جمهوری اسلامی رای بدهیم! در حالی که شما به آیت الله رژیم اسلامی تبدیل شده اید و به همین دلیل ما نمیتوانیم با همدیگر متحد شویم. رفیق ما دیگر مسائل را مطرح نکرده بود که اونها به نظر ما نوکر حلقه به گوش چین هستند، هر چیزی که در چین گفته شده آنها تکرار کرده اند. آدم اگر نوکری هم بکند، نوکری مردم خودش را بکند بهتر است». اینها درس ها و تجربیات گذشته است که به عنوان چراغ راه آیندگان، مسیر درست را نشان میدهد .

افراد و دسته هایی هستند که تا آخرین لحظه آویزان قدرت حاکمه هستند اما به محض آنکه حکومت ارتجاعی در سرآشویی سقوط قرار گرفت به فکر آن میافتند که سرنوشت خودشان را جدا کنند و در اوج فرصت طلبی تلاش میکنند با ادعای وحدت و کمک به امر مبارزاتی، بدون آنکه در مورد تبلیغات و مزدوری های دیروزشان توضیحی بدهند، در صفوف جنبش انقلابی رخنه کنند.

انتخاب آگاهانه افراد و دسته های محورمقاومتی در دفاع از سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اسلامی و دشمنی با قیامهای توده ای و خیزشهای انقلابی قابل بخشش و فراموشی نیست و هر کس باید پاسخگوی کردار و گفته هایش باشد.

منبع بخش زیادی از مجموعه عکسهای این مطلب،
کتاب «انقلاب ۵۷ در کردستان از دریچه دوربین خالد منصوری» است.



نمایی از قرارگاه مشترک سپاه پاسداران و طرفداران احمد مفتی‌زاده در جوار کوه «کوچک‌پره‌ش» سنندج



نام کتاب: انقلاب ۵۷ در کردستان از دریچه دوربین خالد منصوری

گردآورنده: امیر لطف الله نژادیان

چاپ اول: ژانویه ۲۰۲۵

طراحی جلد و صفحه آرای: امیر کریم نژاد

انتشارات: مرکز فرهنگی پژوهش‌های کردستان _ لندن



نمایی از قرارگاه مشترک سپاه پاسداران و طرفداران احمد مفتی‌زاده
در جوار کوه «کوچک‌پره‌ش» سنندج

